

بحران سوریه؛ با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور

کیومرث یزدان پناه درو^{۱*}

محمد مهدی نامداری^۲

۱- استادیار دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد علوم تحقیقات تهران، تهران، ایران.

چکیده

بروز تحولات سیاسی و انقلاب‌های مردمی در کشورهای عربی از جمله پدیده‌های نادر سال‌های آغازین قرن ۲۱ بوده است، که در این زمینه صحنه سوریه برخلاف دیگر مدلها آماج فشارهای همه‌جانبه‌ی غرب قرار گرفت. رویکرد نظام غرب و راهبرد دولت اسلام‌گرای ترکیه که در ماه‌های اولیه‌ی ناآرامی در سوریه به عنوان پایگاه اصلی و حامی لجستیکی اپوزیسیون سوریه ایفای نقش نموده، بسیار حائز اهمیت و قابل تحمل می‌باشد. با گذشت سه سال از آغاز ناآرامی در سوریه امروز بر همگان عیان شده است که جنبش‌های مردمی و مسالمت‌آمیز سوریه به میدانی برای رقابت‌های بین‌الملل و بازیگری قدرت‌های منطقه بدل گردیده است. راهبرد غرب در مقیاس جهانی توسعه و هژمونی نظام غرب در مقابل نظام فروپاشیده‌ی شرق و در مقیاس منطقه‌ای تقابل با ژئوپلیتیکی ایران و جبهه‌ی مقاومت تحلیل می‌گردد. ترکیه نیز که مناقشات مختلفی در طول تاریخ خود با سوریه داشته است، در سال‌های اخیر در جهت رفع تنش‌ها و بهبود روابط سیاسی بین دو کشور گام برداشته است. این دولت با بروز جنبش‌های مردمی و ناآرامی‌های سیاسی سوریه فرصت را غنیمت شمرده تا با بازیگری در تحولات این کشور در جهت کسب وجهه‌ی اجتماعی و جلب توجه نظام غرب و اتحادیه‌ی اروپا گام برداشته بردارد. تحقیق پیش‌رو درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی، ریشه و زمینه‌های ناآرامی در سوریه، رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه را در تحولات این کشور بررسی نماید.

واژه‌های کلیدی: انقلاب‌های مردمی، تحولات سوریه، راهبرد ترکیه، دولت اسلام‌گرای ترکیه، رویکرد غرب.

خیزش مردم کشورهای خاورمیانه عربی و شمال آفریقا علیه حاکمان مستبد با آغاز در تونس و براندازی رژیم حاکم به سرعت دامنگیر مصر، لیبی، یمن، بحرین و سوریه شد؛ و امروز عربستان و اردن و کویت را آستن این تحولات می‌بینیم. علل این جنبش‌ها را نمی‌توان صرفاً مسئله‌ای سیاسی یا اجتماعی دانست، چراکه با بررسی انقلاب‌ها و شعارهای انقلابیون می‌بینیم هر دو زمینه در پیدایش این شرایط مؤثر بوده‌اند. (یوسفی، ۱۳۹۰، ۳۱) در این میان برخی از دولت‌ها که سیاست‌های اسلام‌هراسانه در پیش گرفته‌اند بر آن شدند تا شعارهای اسلام‌خواهانه این جنبش‌ها را کتمان و خواسته‌های انقلابیون را لیبرالیستی و دموکراتیک تعبیر نمایند که از این رهگذر با نفوذ در این جریانات، آنها را به نفع خود مصادره کنند. برخی نیز از دیگر سو ضمن مشابهت دادن جنبش‌های آزادی و اسلام‌خواهانه این مردم به جنبش‌های آزادی‌خواهانه اروپایی در سال ۱۸۴۸، می‌کوشند مبانی فکری و اعتقادی این جریانات را سمت سو داده و مبانی مورد نظر خود را در آنها تزریق نمایند. پیش از تحولات عربی ایران تنها از طریق روابط با ملت‌ها و جنبش‌های اسلامی توانسته بود نفوذ خود در منطقه را افزایش دهد که با بروز این تحولات و ظهور دولت‌های ملی اسلامی مانند مصر فرصتی برای ایران فراهم شد تا با دیگر دولت‌های عربی روابط نزدیکتری برقرار کند. (برزگر، ۱۳۹۱) با شروع جنبش‌های اجتماعی صلح‌آمیز در سوریه دولت این کشور که به حق باید آن را قوی‌ترین دستگاه سیاسی عرب در مقابل جهان غرب و رژیم صهیونیستی دانست به شدت مورد هجوم و فشار همه‌جانبه غرب قرار گرفت؛ لذا متفاوت با سایر انقلاب‌ها به سرعت محور عربی-غربی ضد حکومت بشار اسد تشکیل و در آن بهانه‌های بشردوستانه توجیهی برای اقدامات سیاسی-نظامی شد. (۱۰). [۲۰۱۲/choosudovsky] در این میان اتحادیه عرب به جای اینکه با بررسی موضوع و ارائه طرحی منطقی در جهت برون رفت از بحرانی که ممکن است با گسترش و سرایت به کشورهای همسایه تهدیدی برای همه منطقه محسوب شود گامی مثبت بردارد، به تبع اربابان خود جبهه ضد سوری گرفت؛ این در حالی است که همزمان با صدور دستور پوشش بمباران لیبی توسط این اتحادیه تنها دولت سوریه بود که با این تصمیم مخالفت کرد و پس از آن سکوت سایر دولت‌های عربی را در مقابل تأمین علنی و ارسال تسلیحات برای معارضین خود شاهد بود. با تلاش‌ها و حمایت‌های صورت گرفته از جبهه معارضین که با محوریت ترکیه-عربستان سعودی-قطر صورت گرفت و با انتخاب فاز نظامی و مسلحانه برای اقدامات معارضین سوری، پیش‌بینی‌هایی در خصوص تکرار سناریوی شبیه لیبی و مصر در سوریه به گوش می‌رسید؛ اما با تفاوت‌های ماهوی و حمایت‌های داخلی و خارجی نشان‌های از تغییر

حاکمیت به چشم نمی‌آید. با عقب‌نشینی ترکیه از خط مقدم ائتلاف ضد سوری اجلاس دوحه به عنوان برنامه‌ریزی و پایگاه جدید ضد دولت سوریه مطرح شد و امروزه سرگردانی این جبهه نیز عیان شده است.

بیان مسئله:

تحولات سیاسی سوریه عرصه‌ای برای قدرت‌های منطقه و فرامنطقه‌ای فراهم نموده تا در آن معادلات و رقابت‌های خود را دنبال کنند. در این عرصه تلاش همه جانبه غرب برای ساقط کردن اسد و همکاری‌های بی دریغ متحدین منطقه‌ای آن یعنی ترکیه، عربستان و قطر بسیار مؤثر افتاده است؛ از این رو حیات جبهه مقاومت و منافع بسیاری از متحدان اسد به خطر افتاده است. ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای برای حفظ آزادی عمل ناگزیر به حمایت از متحد خود یعنی اسد است. با وجود زمینه‌های قومی - مذهبی، گروه‌های تکفیری و دسیسه افکنی‌های دشمنان فرامنطقه‌ای، سرایت بحران و ناامنی‌های کنونی سوریه تهدیدی برای همه کشورهای همجوار و منطقه محسوب شود؛ ترکیه که دستاوردهای ملی و مناسبات رو به بهبود خود با سوریه را فدای بلندپروازی و خوش‌خدمتی‌های حزب عدالت و توسعه به غرب کرده خود می‌تواند آسیب‌پذیرترین کشور در این رابطه باشد. شرط موفقیت در این میدان شناخت دقیق زمینه‌ها، علل، استراتژی‌هاست که از این رهگذر می‌توان به تحلیلی درست و ارائه راهکاری جامع دست یافت.

پرسش‌های اساسی:

۱. زمینه‌ها و علل بحران سوریه چیست و چه تفاوتی با سایر مدل‌های عربی منطقه دارد؟
۲. رویکرد نظام غرب در بحران سوریه چیست؟
۳. ترکیه چه راهبردی در این حوزه دنبال می‌کند؟

روش تحقیق:

- ۱- تحقیق حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و نوع تحقیق، کاربردی محسوب می‌شود. روش گردآوری مطالب این تحقیق بر پایه اقدامات زیر بوده است:
 - بررسی کتابخانه‌ای: مطالعه کتب و مقالات اعم از فارسی و انگلیسی موجود در کتابخانه‌های دانشگاه‌ها، وزارت امور خارجه، مراکز تحقیقاتی و پایانه‌های رایانه‌ای؛
 - بررسی نشریات و مجلات تخصصی وزارت امور خارجه و مطالعات استراتژیک خاورمیانه؛

چارچوب نظری تحقیق:

نظریه موازنه قدرت:

نظریه توازن قوا (توازن قدرت)، قدیمی ترین، بادوام ترین و مناقشه برانگیزترین نظریه سیاست بین الملل محسوب می شود. واضع تئوری موازنه قدرت راهانس مورگنتا می دانند. درباره موازنه قدرت نظرها و تعریف های گوناگونی وجود دارد. اساساً اصطلاح موازنه قوا بر قدرت نسبتاً مساوی و برابر ظرفیت ها و توانایی های دولت ها و اتحادیه های رقیب یکدیگر تأکید می کند. برای مثال، ایالات متحده امریکا و شوروی سابق در دهه های ۷۰ و ۸۰ میلادی، سلاح های هسته ای خود را به طور برابر حفظ کردند تا نوعی موازنه قدرت نظامی به وجود آید. یا مثلاً ظهور قدرت آلمان در جنگ جهانی اول و دوم باعث شکل گیری یک ائتلاف ضد آلمانی مرکب از شوروی، بریتانیا، فرانسه، ایالات متحده و سایر کشورها شد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۲۶۵) برخی آن را به صورت تغییر شکل توزیع قدرت یا مکانیسمی خودکار در سیاست بین الملل و همچنین به وضعیتی تعبیر و تفسیر کرده اند که باعث ایجاد تعادل یا نبود تعادل مطلوب می شود. این مقوله هنگامی مطرح می شود که دولت یا گروهی از دولت ها سهمی افزونتر از قدرت را در نظام بین الملل می طلبند، به گونه ای که چنین فرایندی باعث برهم خوردن سیستم توزیع قدرت در سیاست بین المللی یا منطقه ای شود. (زرقانی، ۱۳۸۸، ۳۷)

تعریف موازنه قدرت:

در حوزه تعریف موازنه قدرت را تعادل قوا بین دو یا چند قسمت متخاصم و تفوق نیرو دانسته اند. محققان علم سیاست بین الملل تعاریف گوناگونی از موازنه قدرت داشته اند. ارنست هاس برای اصطلاح موازنه قدرت حداقل ۸ معنی، مارتین وایت ۹ معنی و کنت والز ۱۰ معنی در نظر گرفته اند. در این قسمت به ۸ معنی ارنست هاس اشاره می کنیم:

۱. هرگونه توزیع قدرت
۲. نوعی فرایند تعادل یا متوازن سازی
۳. استیلا یا طلب استیلا
۴. ثبات و صلح در حالت اتفاق قدرتها
۵. بی ثباتی و جنگ
۶. سیاست مبتنی بر قدرت به معنی عام
۷. نوعی قانون جهان شمول تاریخی
۸. نوعی نظام و راهنما برای سیاستگذاران (دوثرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶، ۶۶)

تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد جهان سیاسی پیوسته از نظام دگرگون شونده‌های برخوردار بوده و پیوسته این تفکر در کار بوده است که ایجاد موازنه‌های قدرتی در این نظام، ثبات و آرامش را سبب خواهد شد و از میان رفتن موازنه‌ها، سبب ستیز قدرت‌ها علیه یکدیگر می‌شود.

راه‌های حفظ موازنه:

۱. تسلیحات نظامی
۲. تصرف اراضی به عنوان جبران قدرت
۳. ایجاد مناطق حائل
۴. مداخله در امور داخلی
۵. ایجاد تفرقه میان متحدین و غلبه آن
۶. موازنه خودکار و نیروی موازنه دهنده (سیف‌زاده، ۱۳۸۸، ۵۹)

علل و زمینه‌ها در ناآرامی‌های سوریه

علل داخلی و نقش رسانه‌ها:

سوریه مانند بسیاری از دولت‌ها و نظامها صاحب مشکلات عدیده زیرساختی در حوزه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است؛ اما بی‌شک بحران موجود آن معلول معادلات و مناسبات منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای و هزینه‌ای برای ائتلاف با ایران و حمایت از مقاومت فلسطین است؛ لذا باید آن کشور را آوردگاهی برای رقابت‌های استراتژیک توصیف نمود. در کنار مناقشات سیاسی، بحث عقیدتی - مذهبی (سنّی، شیعه، علوی) و مباحث قومی (کرد، ترک، عرب) از جمله مسائل ریشه‌ای کشور سوریه به حساب می‌آیند؛ اما نه تا بدان حد که بحران و کشتاری به این گستره و در این بازه زمانی بی‌آفرینند. از نظر داخلی، از یکسو گروه موسوم به ارتش آزاد سوریه با ترکیبی ناهمگون از نظر ایدئولوژیک، اهداف و حتی ملیت نامتجانس و از دیگر سو نظام کنونی حاکم بر سوریه و به صورت مشخص ارتش سوریه به عنوان طرف‌های مستقیم مناقشه با داعیه حمایت مردمی و همراهی افکار عمومی می‌خواهند تا صحنه را به نفع خود رقم زنند. البته نباید از نظر دور داشت که اقدامات و اصلاحات سیاسی اخیر صورت گرفته از سوی بشار اسد اگر از زمانی زودتر صورت می‌پذیرفت، می‌توانست افزون بر رفع بهانه‌ها و اتهامات حقوق بشری مطرح شده از سوی مخالفان وی میزان بیشتری از افکار عمومی سوریه را با رئیس جمهور سوریه موافق و همگام سازد. (مصطفوی، ۱۳۹۲، ۱۸۲) مهمترین مشکل پیش روی اسد تأمین مالی دولت خصوصاً هزینه‌های نظامی و امنیتی آن است و قطعاً آسیب‌پذیری

او نیز از همین ناحیه خواهد بود، چراکه بقای وی تاکنون نیز مرهون استمدادهای ایران و روسیه است. (walt/۲۰۱۲)

استفاده از سایت‌های مختلف اینترنتی از جمله فیسبوک و تویتر و همچنین ارائه گزارش‌های مستمر و لحظه به لحظه توسط کانال‌های ماهوارهای پربیننده عربی مانند العربیه و الجزیره و تاحدودی BBC فارسی نقش بسیار مهم و اساسی در اطلاع‌رسانی، ترغیب و هدایت اذهان عمومی کشورهای منطقه بویژه جوانان را داشته است. شیوه‌های مشابه اعتراضات از جمله شعارها و خواسته‌های مردم گواهی بر این ادعاست. (موسوی‌زاده، ۱۳۹۰، الف: ۵۱)

علل خارجی:

هر چند خواست‌های مردمی در تداوم بحران سوریه نقش مهمی دارند ولی با نگاهی به صف‌آرایی‌های منطقه، نقش عوامل خارجی در این اعتراضات را نباید نادیده گرفت. در مقیاس جهانی تلاش برای حذف اسد در سوریه از آخرین پرده‌های داستان فروپاشی شوروی و سناریوی تک‌قطبی شدن نظام بین‌الملل است. (عزتی، مصاحبه حضوری، ۱۳۹۲) در مقیاس منطقه‌ای تداوم بحران سوریه به نوعی نتیجه رقابت بین دو جریان متعارض «مقاومت» و «محافظه کار» در منطقه خاورمیانه است. با آغاز بهار عربی شاهد بروز رقابت فزاینده بین جریان مقاومت شامل کشورهای ایران و سوریه و گروه‌های مقاومت حزب‌الله لبنان و حماس در مقابل جریان میانه رو شامل عربستان سعودی، اردن، جریان ۱۴ مارس لبنان به رهبری سعدالحریری و تشکیلات خودگردان فلسطین در منطقه خاورمیانه بودهایم. (آجورلو، ۱۳۹۲، الف: ۱۷۷) با توجه به دژ مستحکمی که توسط ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان در برابر استکبار بویژه رژیم صهیونیستی ایجاد شده و از طرفی تحولات سریعی که در کشورهای عربی در حال وقوع است، غرب از افزایش قدرت جمهوری اسلامی ایران بسیار نگران است. به همین جهت تلاش دارد تا ضمن سیاه‌نمایی اوضاع در سوریه، سیاست جمهوری اسلامی ایران را به عنوان همپیمان سوریه در برابر تحولات منطقه دوگانه جلوه دهد. همچنین باز به دلیل سرعت زیاد گسترش اعتراضات مردمی در منطقه، انحراف افکار عمومی به سمت سوریه باعث می‌شود تا تحت شعاع مسائل این کشور، این اعتراضات مورد سرکوب حاکمان ظالم کشورهای منطقه با همکاری غرب بویژه امریکا قرار گیرد که می‌توان نمونه بارز آن را در کشور بحرین ملاحظه کرد. (موسوی‌زاده، ۱۳۹۰، ب: ۵۱-۵۲) کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که همگی دارای حکومت پادشاهی و دیکتاتوری بوده و بازیچه دست امریکا هستند به دلیل نگرانی شدید از سرایت این تحولات در کشورهای

خود، با هدایت امریکا و به طور کلی غرب در صدد سرکوب هرگونه اعتراضات مردمی در این کشورها برآمدند که البته مهمترین نقش را در این زمینه، کشور عربستان سعودی ایفا می‌کند. در این رابطه میبینیم که چگونه نظام دیکتاتوری بحرین پس از ناکامی از مقابله با خواسته‌های مردمی آن کشور، از عربستان و سایر کشورهای عربی خلیج فارس استمداد می‌طلبد و به کمک این حکومت‌های دست‌نشانده غرب، دست به سرکوب خونین مردم مظلوم و ستمدیده آن کشور میزند. (موسویزاده، ۱۳۹۰، الف: ۵۱)

در مورد نقش ترکیه و قطر در خاورمیانه نیز نمی‌توان این کشورها را کاملاً در این دو جریان قرار داد. این دو کشور در سال‌های اخیر بیشتر نقش متعادل‌کننده را در موضوعات خاورمیانه بازی کرده‌اند. مواضع این دو کشور در برخی موارد همسو با جریان مقاومت و در برخی موارد همسو با جریان محافظه‌کار بوده است. ترکیه و قطر می‌دانند که در اوضاع کنونی، هیچ کشور عربی در منطقه وجود ندارد که بتواند مانع قدرت گرفتن آنها شود. تنها کشوری که می‌تواند با این کشورها رقابت کند، ایران است و به همین جهت هم برای کاهش نفوذ ایران در منطقه با تغییر تاکتیکی به جریان محافظه‌کار پیوسته‌اند. (آجورلو، ۱۳۹۲، ب: ۱۷۸)

زمینه‌های ژئوپلیتیکی:

الف - وجود اندیشه‌های نیرومند محلی‌گرا

در سوریه سنت خودکفایی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محلی موجب تحکیم وفاداری‌های محلی در برابر سیاست‌های ملی شده و از اهمیت بسیاری از مسایل مربوط به رشد کاسته است. در این کشور ۱۲ مرکز محلی وجود دارد که هر کدام از یک شهر با حداقل صد هزار سکنه و چند شهرستان بزرگ و ده‌ها روستا تشکیل شده و از یک پایگاه سنتی خودکفایی کشاورزی برخوردار است. یکپارچه نبودن هویت سوریه موجب آن است که احساسات و وفاداری‌های هر منطقه زمینه تحکیم همین نوع احساسات را در مناطق دیگر فراهم آورد و بدین سان اندیشه‌های محلی کماکان ماندگار شود.

ب- تغییرات مرزی؛ به عنوان یک معیار تعیین‌کننده در ناسیونالیسم سوریه

دومین عامل ژئوپلیتیکی وجود ابهام در ارائه یک تعریف دقیق از موجودیت سوریه است. بطورکلی سوریه در سالهای قبل از جنگ جهانی اول، میان دو جنگ جهانی و پس از استقلال سه هویت مختلف سیاسی و جغرافیایی داشته است. این کشور قبل از جنگ جهانی اول، یکی از استان‌های امپراطوری عثمانی شامل اردن، فلسطین و لبنان کنونی محسوب

میشد. پس از جنگ این مناطق به بخش‌های انگلیسی و فرانسوی تقسیم شد. در میان دو جنگ سوریه به همراه لبنان، استان اسکندرون تحت سرپرستی فرانسوی‌ها قرار گرفت. در سال ۱۹۳۹م، استان اسکندرون به وسیله سربازان ترک به رهبری آتاتورک اشغال شد و این اشغال هیچگاه مورد قبول سوریه قرار نگرفت.

ج- اهمیت وفاداری‌های فوق ملی

سومین عامل ژئوپلیتیکی را اندیشه‌های نیرومند محلی و تناقض میان ناسیونالیسم سوری و سرزمین سوریه تشکیل می‌دهد. تغییر مرزهای جغرافیایی سوریه در قرن بیستم زمینه رشد هرگونه ناسیونالیسم یکپارچه و پرمغز را از میان برد و شعور سیاسی سوری‌ها را قبل و بعد از استقلال بر وفاداری‌های محلی و یا ماورای ملی قرارداد و شعارهای پان‌عربیسم بعثی و سوریه بزرگ را همزمان در کنار آرمان‌های محلی گذاشت. برای سوری‌ها مرزهای کشورشان هرگز حقیقی نبوده و هویت عربی از هویت سوری پرمعناتر است. در این شرایط اگر وفاداری به دولت مرکزی نباشد ممکن است سیاستهای محلی جایگزین سیاستهای ملی شوند. (کتاب سبز سوریه، ۱۳۸۷، ۳۵-۳۴)

تغییر توازن قدرت جهانی و موضع غرب:

با آغاز قرن ۲۱ قدرت امپراتوری (ناتو- سازمان توسعه و همکاری اقتصادی) رو به زوال گذاشت. حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، اجرای نظم نوین جهانی را شتاب بخشید؛ نظمی که بر اساس «پروژه قرن جدید امریکایی» جورج دبلیو بوش (PNAC) قرار داشت که میگفت «شما یا ما یا علیه ما هستید». ناتو برای اولین بار در تاریخ خود با استناد به ماده ۵ منشورش و با بی‌توجهی به سازمان ملل متحد، برای حمله به افغانستان اقدام کرد. دو سال بعد، دوباره بدون تأیید سازمان ملل متحد، این امپراتوری (غرب) به عراق حمله کرد و این کشور را به اشغال خود درآورد. این امپراتوری (غرب) به سرعت درگیر باتلاق شد. سیاست‌های اقتصادی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی دچار رکود با حتی کاهش شده است. در سرتاسر غرب، بحران بیداد می‌کند، آمار بیکاری بالاست، بدهی‌ها رو به افزایشند. این درحالی است که وزنه اعتباری و نفوذ کشورهای «دیگر» (چین، هند، برزیل، ایران، آفریقای جنوبی و متحدانشان) در سطح جهان در حال رشدند. (جونید خان، ۱۳۹۱، الف: ۶۷-۶۶) این پشت‌صحنه ایفای نقش بی‌امان ناتو و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در کوفتن بر طبل جنگ علیه سوریه و ایران است. بحران دوسویه‌ای که ایران و سوریه آن را تشکیل می‌دهند،

ارتباط تنگاتنگ آنها را نشان می‌دهد. در واقع ایران از طریق سوریه، مهمترین متحد عرب و پل ارتباطی اش به سمت حزب الله لبنان (شیعه) و حماس فلسطین (سنی)، هدف ناتو قرار گرفته است؛ کشوری که بیش از ۳۰ سال، پیش خود را از قید امپراتوری (غرب) رها نید. انگیزه‌های جبهه‌ی غرب از نقش آفرینی در سوریه عبارتند از:

- محور سوریه - حزب الله - حماس - ایران در مقابل اسرائیل ایستادگی می‌کنند.
- بیداری شیعیان، از عرب و فارس که بی‌شک، جمهوری خواه هم هستند، سلطنت فتودالی سنی در خلیج فارس و در رأس آن، وهابیان افراطی و بنیادگرای عربستان سعودی را به خطر انداخته است.

- پس از نابودی رژیم بعث ضد سلطنت و سکولار صدام حسین (و به همراه آن، ویرانی کل عراق)، امپراتوری با حمایت نفت، امارات، اسرائیل و ترکیه، به صورت دیوانه‌واری در تلاش برای جهت دهی و حتی به نام خود کردن جنبش بهار عربی است.

- ترکیه که هم عضو ناتو و هم عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی است، خود را رقیب جمهوری خواه سنی ایران می‌داند. آن هم با تکیه بر رژیم «میانه‌روی» اسلامی جدیدش و نیز پیشینه تاریخی امپراتوری عثمانی که برای نزدیک به ۷۰۰ سال بر اعراب حکومت می‌کرد.
- رژیم بعثی و سکولار سوریه زیر فشار بهار عربی و متحدانش، راه را بر کثرت‌گرایی و برگزاری انتخابات عمومی در تاریخ ۷ می باز کرده است. اما امپراتوری (غرب) همچنان با بی‌رحمی به ضربه‌های خود علیه آن ادامه می‌دهد؛ زیرا خواهان «تغییر رژیم» است.

- با این حال، امپراتوری (غرب) با هر وسیله ممکن، برای حفظ وضع موجود در یمن و نیز بحرین می‌کوشد که خانه ناوگان پنجم امریکا در خلیج فارس است و در آن، خاندان سلطنتی سنی بر اکثریت شیعه حکومت می‌کند.

- امیرنشین سنی و نفت خیز قطر به جنگ تبلیغاتی خود برای امپراتوری (غرب) از طریق شبکه تلویزیونی الجزیره ادامه می‌دهد. البته روزنامه‌نگاران برجسته، این شبکه را ترک کرده‌اند و آن را به ساخت گزارش‌های تصویری کاذب از لیبی و سوریه متهم می‌کنند. قطر در سهام آتول، دیه‌گو گارسیو، در اقیانوس هند و در مفر فرماندهی مرکزی ایالات متحده، شریک است. (جونید خان، ۱۳۹۱، ب: ۷۰-۶۸)

با سرکار آمدن دولتی شیعه در عراق، این دولت و دولت علوی تبار بشار اسد به مثابه پلی میان جبهه مقاومت و ایران به عنوان توانمندترین و سرسخت‌ترین حامی این جبهه نقش اصلی را در ارتباط این دو پایگاه بازی می‌کنند. با حذف یا لااقل تضعیف دولت سوریه ارتباط ایران با جبهه مقاومت و دریای مدیترانه قطع یا دشوارتر و فرآیند تأثیرگذاری ایران

در منطقه کندتر خواهد شد که این جایزه‌ای استراتژیک برای ایالات متحده و ارزشمند برای ریسک کردن است. (rubin/۲۰۱۲)

پیشینه روابط سوریه و ترکیه:

پس از جنگ جهانی دوم تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای به کلی سوریه و ترکیه را به دو مسیر مختلف سوق داد. در سوریه نخبگان جدید، قدرت را قبضه کردند و در جهت برقراری روابط با اتحاد شوروی که به عنوان قطبی جدید در صحنه بین‌المللی ظهور کرده بود حرکت کردند و از نظر اعتقادی تحت تأثیر افکار تند ملی‌گرایی عرب و کمونیسم قرار گرفتند. در حالی که ترکیه با جدیت تمام در جهت عکس آن حرکت نموده و به عضویت کامل پیمان آتلانتیک شمالی (nato) درآمد و روابط خود را با ایالات متحده امریکا و کشورهای غربی گسترش داد. مجموعه‌ی این عوامل ظهور دو طرز تفکر و اندیشه سیاسی متفاوت و متضاد را در سوریه و ترکیه به دنبال داشت که به نوبه‌ی خود موجب شد دو کشور فاصله بیشتری از یکدیگر بگیرند. همچنین گسترش موج ملی‌گرایی سوسیالیستی در سوریه، در ابعاد مختلف آن از اواخر دهه ۱۹۵۰ و تمایل دمشق به نزدیکی با مسکو، سبب شد که اصطکاک‌هایی میان سوریه و ترکیه پدید آید، به طوری که در این زمان آنکارا تنها با اخطار شوروی و مصر از تمرکز نیرو و حمله به سوریه صرف نظر نمود. گرایش کشورهایمانند سوریه، مصر و عراق به بلوک شرق باعث شد که ترکیه بیش از پیش به غرب و پیوستن به اردوگاه سیاسی و امنیتی آن در مقابل شوروی متمایل گردد. در حقیقت می‌توان گفت که در جهان دو قطبی آن دوران سوریه به شوروی و بلوک شرق و ترکیه به امریکا و بلوک غرب تمایل پیدا کردند و در این دو مجموعه تعریف شدند. این سیاست‌ها تنها موجب تداوم جدایی کشورهای عربی و ترکیه مانند گذشته نشد، بلکه فاصله گرفتن نخبگان فرهنگی این کشورها از یکدیگر نیز از نتایج سیاست‌های فوق بود. افزون بر این، شناسایی رژیم تصنعی اسرائیل از جانب ترکیه بر این بدگمانی افزود. از طرفی برای نخبگان ترک، کشور سوریه یادآور خاطرات تلخ گذشته (شورش علیه عثمانی) بود. ترکیه از ابتدا با توجه به خطرات احتمالی که امنیت این کشور را تهدید می‌کرد (مسئله قوم-گرایی افراطی عرب و گرایش‌های توسعه طلبانه آن، ارتباط با مسکو و چپ‌گرایی عربی و...) به سوریه اعتماد نداشت. علاوه بر همه این موارد، سازمان چپ‌گرای عربی مستقر در سوریه با چپ‌گرایان ترک که برخی از آنها در طول دهه ۱۹۶۰ به عملیات مسلحانه علیه آنکارا دست زده بودند، ارتباط داشتند و این خود بر دامنه تردیدهای ترک‌ها نسبت به نیت دمشق می‌افزود. (امامی، ۱۳۷۷، ۶۸۳)

بطور کلی روابط دو کشور در سال‌های اخیر تحت تأثیر ۳ عامل بوده است:

۱. الحاق استان هاتای (اسکندرون سوریه) به ترکیه: در گذشته ادعاهای ارضی سوریه نسبت به استان‌هاتای بر مناسبات این کشور با ترکیه عمیقاً سایه افکنده بود. مسئله الحاق اسکندرون به ترکیه در دوران قیومیت فرانسه، همچنان به صورت خاطره تلخ در ذهن سیاستمداران و مردم سوریه باقی مانده و در فرصت‌های مناسب آن را ابراز کرده‌اند. مقامات و مردم سوریه همواره به واگذاری بخشی از خاک کشورشان به ترکیه اعتراض داشته و معتقدند این عمل از جانب فرانسه در دوران قیومیت انجام شده و از نظر قانونی اعتبار ندارد. در مقابل این ادعای سوریه ترکیه اتهامات متقابلی را به سوریه نسبت داد و مدعی شد که سوریه به چریک‌های جدایی‌طلب (ppk) پناهندگی داده و امکاناتی را در اختیار آنها قرار داده می‌دهد.

۲. مسئله آب: تاریخچه مذاکرات ترکیه و سوریه در مورد حقوق خود نسبت به آب‌های مشترک، نشانگر ارتباط میان مسائل مربوط به آب با مباحثات بر سر امنیت مرزی و استرداد مخالفین سیاسی است که در بیانیه‌های مربوط به خط‌مشی‌های دو کشور مشهود است. تنش بر سر آب بین دو کشور زمانی بالا گرفت که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، ترکیه ساخت یک سلسله از سد‌ها و طرح‌های آبیاری موسوم به «گاپ» را آغاز کرد. یکی دیگر از مسائلی که موجب افزایش تنش‌ها در روابط دمشق-آنکارا در زمینه مسئله آب گردید، آغاز فعالیت ترکیه برای احداث یک نیروگاه آبی ۶۷۲ مگاواتی در منطقه بیرجیک بود. اقدام ترکیه برای احداث سد بیرجیک مورد اعتراض عراق و سوریه قرار گرفت.

۳. مسئله کردها: سوریه به دلیل اختلافات خود با ترکیه و روابط سردی که با این کشور طی چند دهه گذشته داشته، از برخی جنبش‌های سیاسی مخالف دولت آنکارا حمایت نموده است که سه گروه از مخالفان آنکارا یعنی گروه‌های رادیکال کرد و در رأس آن (ppk)، آسالا یا ارتش سری برای آزادی ارمنستان و رادیکال‌های ترک را شامل می‌شد. (واعظی، ۱۳۸۷، الف: ۷۱-۶۳) سوریه در دهه ۹۰ به ترکیه اعلام کرد که به دلیل مرزهای طولانی با ترکیه قادر نیست از حمله کردهای کشورش به ترکیه جلوگیری کنند. تهدید ترکیه جهت حمله به سوریه در صورت ادامه یافتن حمایت‌های دمشق از گروه پ.ک.ک بحران را در روابط دو کشور به اوج رسانید. سوریه در برابر برتری نظامی ترکیه از مواضع خود عقب نشست و دست به اخراج عبدالله اوجالان، رهبر پ.ک.ک و بستن اردوگاه‌های غربی این گروه زد. این تغییر موضع دمشق، راه را برای بهبود تدریجی روابط هموار نمود. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه این همکاری‌ها تسری یافت. همزمان با نقش آفرینی هرچه بیشتر طیف نوپای اسلامگرایان یعنی حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان، در ابتدای هزاره سوم، این کشور شاهد تحولاتی مهم در عرصه

سیاست خارجی در تعامل با کشورهای مناطق پیرامونی خود، اتحادیه اروپا و امریکانیز بوده است. (چگینی زاده و خوش اندام، ۱۳۸۹، ۱۹۰)

هر چند دو کشور سوریه و ترکیه در گذشته با یکدیگر مشکلات حاد و دیرینه داشته‌اند و ترکیه در تصمیم خود مبنی بر اتحاد با اسرائیل در اواسط دهه ۱۹۹۰، نیم‌نگاهی نیز به تضعیف سوریه داشته است، اما در سال‌های اخیر، ترکیه و سوریه به عقلانیتی عمل گرایانه رسیدند که مشکلات خود را برجسته نکنند و حتی بر کم‌رنگ بودن و بی‌اهمیت بودن اختلافات گذشته تأکید کنند. (واعظی، ۱۳۸۷، ب: ۷۹)

راهبرد ترکیه در تحولات سوریه:

سیاست خارجی کشور ترکیه در برابر تحولات داخلی سوریه، تا حدود زیادی متفاوت به نظر می‌رسد. از همان روزهای نخست شروع اعتراضات مخالفان حکومت سوریه، دولت ترکیه حمایت از اپوزیسیون سوریه را آغاز کرد و ضمن ترغیب دولت سوریه به انجام اصلاحات، در اغلب موارد موضع‌گیری‌های نسبتاً تندی در برابر نحوه برخورد با مخالفان اتخاذ کرد. از جمله اقدامات دولت ترکیه در همراهی با مخالفان دولت بشار اسد، می‌توان به پرپای اردوگاه‌های پناهندگی برای مخالفان در داخل مرزهای خود با سوریه و برگزاری نشست سران مخالفان سوری در خاک ترکیه (شهر استانبول)، تحت عنوان «شورای آزادی بخش ملی سوریه» و تلاش‌های دیپلماتیک به منظور ترغیب سوریه به انجام اصلاحات دموکراتیک اشاره کرد. (بیات، ۱۳۹۰، ۱۶۴) ترکیه با اتخاذ سیاست حفظ وضع موجود در قبال تحولات کشورهایی نظیر بحرین و یمن، همسو با سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس و کشورهای غربی، به شیوه زیرکانه‌ای در صدد کاستن میزان نفوذ و قدرت مانور منطقه‌ای ایران، یکی دیگر از رقبای منطقه‌ای خود است تا در پرتو تضعیف مصر و کنترل ایران، نقش پررنگتری را در تحولات منطقه بر عهده گیرد. (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۰)

سامانه دفاع موشکی پاتریوت با هدف دفاع در مقابل تهدیدات هوایی از جانب سوریه در مرزهای جنوبی این کشور مستقر گردید که به عقیده بسیاری ناامنی بیشتری را در منطقه سبب می‌شود. پنتاگون در بیانیه‌ای منتشر نشده علّت راه‌اندازی این سامانه را در ترکیه علاوه بر تهدیدات ناشی از سوریه، مقابله با حضور نظامی روسیه در سوریه و جلوگیری از تقویت سیستم دفاع هوایی این کشور می‌داند. ([۱۱]، ۲۰۱۲، Chossudovsky)

نتیجه گیری:

با گذر زمان، بحران سوریه به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های سیاسی و امنیتی برای منطقه و امنیت بین‌الملل تبدیل می‌شود. با تجزیه ماهوی انقلاب‌های منطقه و قیاس آنان با مسئله سوریه تفاوت‌هایی اساسی را شاهد خواهیم بود که به طور کل دو الگوی کاملاً متفاوت را دست خواهد داد. ابتدایی‌ترین چیزی که از یک انقلاب در چشم افکار عمومی رخ می‌نماید شعارهای آن انقلاب است. شعارهای سر داده شده در تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین گویای خواست و مطالبات مردمی با مضامین اسلامخواهانه و گاهاً ضد رژیم صهیونیستی بوده است؛ درحالی‌که شعارها در سوریه عمدتاً طایفه‌ای، فرقه‌ای و حتی مستهجن طرح شده‌اند و بدون تردید شعارهای گروه‌های مسلح در حمایت از آمریکا، ترکیه و قطر و نیز بر ضد سیاست خارجی دولت سوریه را باید آدرسی از منابع و سرچشمه‌های این جریانات به حساب آورد. در خیزش همزمان مردم سایر کشورهای عربی منطقه، هر پایگاه و حرکت اسلامی از سوی جهان غرب به عنوان جریانی مضموم معرفی و تلاش می‌شد چون دسیسه‌های قبلی و مطرح اسلام‌هراسانه غرب مردم به خصوص قشر جوان از آنها ترسانده شوند؛ این در حالیست که در مدل سوریه دو جریان متقابل و متضاد اخوانی و سلفی کاملاً سازگار شده و از سوی غرب نیز به اتحاد سوق داده می‌شوند. اجتماع گسترده، متمرکز و به دور از خشونت مردم آن هم در شهرها و میادین اصلی تونس، مصر، لیبی و... که گاهاً با اقدامات سرکوبگرانه حاکمان رنگ خشونت می‌گرفت در مقابل اقدامات گروه‌های معارض سوری که به طور پراکنده، کم‌حجم و عمدتاً در خارج از اماکن اصلی و انظار مردم و رسانه‌ها و در قالب بمب‌گذاری، کشتار و ترور با تلفات جانی و خسارات زیاد تجلی می‌یافت از تمایزات روشن این دو مدل و نوع حرکت جریان‌های اعتراضی آنهاست. گروه‌های مخالف اسد را افرادی از اقلیت‌های اخوان‌المسلمین و القاعده با گرایش‌های سلفی شامل شده که اغلب در مناطق مرزی سکونت داشته و از حمایت مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی قدرت‌های غربی برخوردارند. (ثغفی عامری، ۱۳۹۰) حمایت اقشار دانشگاهی، علمی و دیگر نهادها خصوصاً بی‌طرفی و گاهاً پشتیبانی ارتش از جریانات اعتراضی را باید تسهیل‌کننده انقلاب‌های مصر و لیبی دانست؛ در حالیکه تشکیل اجتماعات حامی بشار اسد و رخداد اقدامات مسلحانه و جنایات سوریه علیه نیروهای نظامی مبین غیرمردمی بودن این تحرکات است. بطور کلی چشم‌اندازی از زندگی، فعالیت‌ها و اقدامات حاکمان به زیر کشیده شده تونس، مصر، لیبی، یمن، بحرین و حتی اردن و عربستان و قیاس آنها با زندگی و اقدامات اسد که خود فردی تحصیل کرده و تکنوکرات بوده و گام‌هایی هر چند ناقص در جهت

۱۱۳

دو فصلنامه مطالعات

بیماری اسلامی

بهران سوریه؛ با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور

کی‌نورث یزدان پناه درو و همکار

اصلاحات سیاسی - اجتماعی و اعطای آزادی‌های احزاب و رسانه‌ها برداشته خود تفاوتی مبرهن در مقایسه بشّار اسد با دیگر حاکمان عرب را به نمایش می‌گذارد. از دیگر ویژگی‌های جریانات اعتراضی سوریه تلاش گروه‌های معارض برای جایگزینی استبدادی اسلامی بر اساس ایدئولوژی فرقه‌های افراطی تسنّن است که برای همه بازیگران این عرصه سناریویی غم‌انگیز است. انسجام جهانی برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع در لیبی که استوارترین منطقه پرواز ممنوع در تاریخ شورای امنیت بوده و عدم عزم بین‌المللی در مورد سوریه نیز نشانی از شرایط خاصّ منطقه‌ای و بین‌المللی در هر مدل از این جنبش‌هاست. (جهانی و بارین چهاربخش، ۱۳۹۰)

هدف غرب از براندازی دولت اسد در مقیاس جهانی توسعه هژمونی خود در برابر باقیمانده بلوک شرق و در مقیاس منطقه‌ای مقابله با ژئوپلیتیک رو به رشد ایران و جبهه مقاومت است. در دهه‌های گذشته با خروج قدرت از دست گروه‌های سنی شکی نیست که عراق در دایره نفوذ ایران قرار دارد. این دستاورد بسیار مهم باعث تغییر وزنه تعادل قدرت در منطقه به نفع ایران شده است. هسته‌ای شدن ایران نیز کابوسی برای قدرت‌ها و رقبای منطقه و بین‌الملل است که گامی بلند در جهت افزایش قدرت ملی ایران محسوب می‌شود. افزایش نقش ایران در پیمان شانگ‌های، تضعیف آل‌خلیفه در بحرین و دیگر هم‌پیمانان عربستان، قدرت‌یابی حزب الله لبنان و حوادثی از این دست، همگی موجبات تغییر توازن قدرت به نفع ایران و متحدینش را رقم زد. در مقابل این تغییر توازن قدرت، جبهه غربی - عربی تلاش نمود با سوء استفاده از جنبش‌های مردمی سوریه، تجهیز و وارد کردن گروه‌های تکفیری و به بحران کشیدن سوریه، اسد را از حکومت ساقط کند. هدف دولت اوپاما شکستن ارتباط رو به گسترش میان سه کشور شیعی ایران، سوریه و عراق است

در ارتباط با راهبرد ترکیه باید گفت هماهنگی مواضع ترکیه با امریکا و سعی در جلب نظر مساعد اعراب برای تحت فشار گذاشتن دولت سوریه، نخستین نشانه‌ی آشکار از نقش جدیدی است که ترکیه برای خود در منطقه متصور است. ترکیه کشوری است که گام‌هایی مؤثر در اعطای آزادی‌های سیاسی - اجتماعی برداشته و در میان کشورهای جهان و شاخص‌های رشد اقتصادی جایگاهی مطلوب و رو به پیشرفت بدست آورده است. با این توضیح وابستگی ترکیه به اقتصاد تازه سازمان یافته و شکنندگی این اقتصاد مشهود است. با قمار ترک‌ها در تحولات سوریه که به جنگ داخلی و نبردهای فرسایشی میان معارضان و رژیم اسد تبدیل شده اقتصاد و موفقیت‌های کسب شده آنان به شدت تهدید می‌گردد. اصلی‌ترین راهبرد ترکیه در بحران کنونی سوریه را می‌باید افزایش نقش و بازیگری در

معادلات منطقه و کسب وجهه‌ای مردمی دانست. با گره خوردن معادلات در سوریه و بقای اسد در قدرت، بحرانی که پیش‌بینی می‌شد با سقوط رژیم حاکم پایان پذیرد چنان استمرار یافت که برخی حامیان مخالفان سوری چون ترکیه نیز منافع و امنیت ملی خود را در معرض سرایت و خطر آن دیدند. از آنجایی که حتی آفرینندگان و حامیان خارجی این بحران هم قادر نیستند به آن پایان دهند مقامات ترک به عقب‌نشینی از مواضع خود مجبور شدند و برخلاف دیگر حامیان گروه‌های مسلح به حل مسالمت‌آمیز و راهکار سیاسی برای پایان دادن به بحران قائل شدند. دولتمردان ترک با بازیگری در تحولات منطقه قصد دارند این موضوع را به مقامات اتحادیه اروپا القاء نمایند که ترکیه اهرم مناسب جهت تأثیرگذاری بر مسائل منطقه است. همچنین این هدف در کنار همسویی با دولت ایالات متحده محقق می‌گردد و صد البته که امریکا و رابطه با این کشور جزو برنامه‌ها و سیاست‌های اصلی دولتمردان ترک به حساب می‌آید.

تنها راهکار برای گذر از این بحران راهکار سیاسی و دیپلماتیک است؛ به شرط خواست و حضور همه قدرت‌های خارجی و گروه‌ها و احزاب داخلی که می‌بایست در آن با برگزاری انتخاباتی سالم، تصمیم همه اقشار مردم را برای آینده کشورشان سهیم نمود.

منابع

- آجورلو، حسین (۱۳۹۲). *ضعف تشکیلاتی شورای انتقالی سوریه و ناکارآمدی طرح کوفی عنان*، دکتر کیهان برزگر. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات خاورمیانه. چاپ اول: ۱۷۷-۱۷۸.
- امامی، محمدعلی. (۱۳۷۷) *بررسی سیر روابط ترکیه و سوریه*. مجله سیاست خارجی. شماره ۳ (پائیز ۱۳۷۷).
- برزگر. کیهان (۱۳۹۱)، *تحولات عربی و سیاست منطقه‌ای ایران*، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۲۸ آذرماه ۱۳۹۱. (www.fa.merc.ir).
- بیات، ناصر. (۱۳۹۰) *نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه*. فصلنامه ره نامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰.
- ثغفی عامری. ناصر (۱۳۹۰)، *ملاحظات راهبردی ایران*، روسیه و چین در بحران سوریه، مرکز تحقیقات استراتژیک / معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل، اسفند ۹۰.
- جهانی. فرخزاد و ویکتور بارین چهاربخش (۱۳۹۰)، *ارزیابی حقوقی منطقه پرواز ممنوع از دیدگاه حقوق بین‌الملل*، بویژه در لیبی، اطلاعات سیاسی-اقتصادی پائیز ۹۰، ش ۲۸۵ صص ۱۴۶-۱۶۱.
- جونید خان، (۱۳۹۱) *امپراطوری در مقابل ایران و سوریه: جنگ جهانی جدید برای نظم نوین جهانی؟* علوم سیاسی، سیاحت غرب، شماره ۱۰۸، مرداد ۱۳۹۱، ۶۵-۷۶.
- چگینیزاده، غلامعلی و بهزاد خوش اندام (۱۳۸۹)، «*تعامل و تقابل غربگرایی و پیرامون گرایی در سیاست خارجی ترکیه*» فصلنامه راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۵.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۵) *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، پژوهشکده امیرکبیر (انتشارات پابلی)، مشهد.
- دوئرتی، تری (۱۹۶۴). *سوریه*، ترجمه مهسا خلیلی. تهران انتشارات ققنوس. ۱۳۸۵.

- زرقانی، سیدهادی. (۱۳۸۸) **مقدم‌های بر قدرت ملی**؛ مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش. پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- سیف زاده، حسین. (۱۳۸۸) **نظریه‌های روابط بین‌الملل**: قالب‌ها و مبانی فکری، چاپ ششم، تهران: سمت.

- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۲) عضو هیئت علمی و مدیر گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، مصاحبه حضوری: **تحولات سوریه**، مصاحبه کننده: محمد مهدی نامداری ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ دفتر گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.

- کوزهرگر کالجی، ولی، ۱۳۹۰، **ترکیه و تحولات خاورمیانه**. www.aftabnews.ir.

- کتاب سبز سوریه، (۱۳۸۷)، انتشارات وزارت امور خارجه؛ تهران.

- ملک محمدی. حمیدرضا (۱۳۸۵)، **ترکیه و اسرائیل دو ستون جدید منطقه‌ای**، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

- مصطفوی، سید ولی‌الله (۱۳۹۲). **سوریه صحنه تنازع بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای**. کتاب **تحولات عربی، ایران و خاورمیانه**، دکتر کیهان برزگر. مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات خاورمیانه. چاپ اول: ۱۸۴-۱۸۲.

- موسویزاده، علی (۱۳۹۰). **بیداری اسلامی و ریشه‌شناسی بحران سوریه**. ویژه نامه نهمین هماندیشی نمایندگان فرهنگی ج.ا.ایران در خارج از کشور. شماره دوم، شهریور ۱۳۹۰: ۵۱.

- واعظی. محمود (۱۳۸۷)، **روابط ترکیه و سوریه**: از تعارض تا تعامل، مرکز تحقیقات استراتژیک، سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه (ش ۱۹).

- یوسفی. محسن (۱۳۹۰)، **انقلاب‌های عربی: مسأله اجتماعی یا مسأله سیاسی**، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، تابستان ۹۰، ش ۲۸۴: ۱۸-۳۳.

- chossudovsky. Michel (2012), confronting iran, "protecting israel": the-real reason for America's war on Syria, global research, June 8, 2012.

- chossudovsky. michel (2012), Military Escalation, Dangerous Crossroads: Russia-US Confrontation in Syria?, global research, december 15, 2012.

- Rubin. James. p (2012), the real reason to intervene in syria, Foreign policy (FP), June 4, 2012.

- Walt. vivienne (2012), Assad's Cash Problem: Will Syria's Dwindling Reserves Bring Down the Regime?, Time (magazine), dec 21, 2012.